

## خسرو و خمسه نگاری او

محمد الطاف بت

دانی که هستم در جهان من خسرو شیرین زبان

گر نای از بهر دلم بهر زبان من بیا<sup>۱</sup>

سرزمین هند از دیرباز گهواره شعر، ادبا، علما، هنرمندان و عارفان بوده است و انسان‌هایی را زاده است که بعداً نه فقط سرزمین هند را منور ساختند بلکه در سراسر جهان معروف گشتند و چراغ علم را در سراسر جهان افروختند. در میان آنها ابوالحسن امیر خسرو بن امیر سیف‌الدین محمود دهلوی است. این شاعر و عارف نامدار فارسی زبان هند تقریباً هفت صد سال پیش در سال ۶۵۱ هجری در دهلی و به قولی در پتیالی به دنیا آمد.<sup>۲</sup> وی از همان کودکی قریحه شاعری خود را آشکار ساخت. پدرش از اهل علم و فضل بود و خودش نیز به تحصیل علوم و فنون پرداخت و مطالعه آثار و اشعار فارسی را عادت خود ساخت تا در این زبان تبحر کامل پیدا کرد. مصنف تاریخ فرشته و دولت‌شاه سمرقندی می‌نویسد که ریشه‌های فامیلی این سخنور نامدار هند از قبیله لاجپین ترک بود. پدرش امیر سیف‌الدین محمود هنگام حمله مغولان به هندوستان مهاجرت کرد و در دربار شمس‌الدین التتمش پادشاه دهلی راه یافت. مؤلف شعرالعجم می‌نویسد که چون خسرو به سن رشد رسید اولاً در دربار کتلو خان المعروف به چهجو تقریب یافت و در دربارش تقریباً دو سال بود و بیشتر قصاید در مدح او سرود:

- 
- ♦ دانشجوی دکتری، دانشگاه گرونانک دیو، امرتسر، پنجاب. این مقاله با نظارت دکتر عزیز عباس، رئیس گروه اردو و فارسی دانشگاه گرونانک دیو، امرتسر، پنجاب، تهیه شده است.
۱. دهلوی، امیر خسرو، دیوان امیر خسرو دهلوی، مرتب نورالحسن، ص ۷.
۲. شفق، رضا زاده، تاریخ ادبیات ایران (اردو)، ص ۳۸۵.

بود پنهان آفتاب آن دم که صبح همدمی با باد عنبر بو نمود  
صبح رفتم که خورشیدت کجا است آسمان روی ملک چهجو نمود<sup>۱</sup>  
امیر خسرو مدتی در درگاه جلال‌الدین فیروزشاه اقامت داشت و خسرو در مدح  
وی این طور می‌سراید:

سلطان جلال دین که گه تخت بر شدن چرخش ز خود نردبان دهد هفت کرسی  
فیروز شه که صحبت بلندش زمان زمان از شرق تا به غرب ندای امان دهد<sup>۲</sup>  
امیر خسرو دهلوی از همان پادشاه لقب «امیری» گرفت. امیر خسرو به مشهورترین  
مشایخ و عارفان یعنی نظام‌الدین اولیا دلبستگی بسیاری داشت و او هم با خسرو.  
چنانچه در شعرالعجم می‌نویسد:

جُنبِ سَیِّئِیْنِ مِیْنِ سِوَالِ هُوَ کَا کَر نِظَامِ الدِّیْنِ کِیَا لَیَا هَے تُو خِشْرُو کُو پِیشِ کَرُوں گَا، دِعا مَآئِگَتِے تَهے تُو خِشْرُو کِی  
طَرَفِ اِسْ یَ مَارَہِ کَر کَے فَر مَاتِے تَهے: ”الہیٰ بہ سوز سینہ این ترک مرا ببخش“<sup>۳</sup>.

ترجمه: روز قیامت پرسند نظام‌الدین تو چه با خود آورده‌ای. من امیر خسرو را  
نشان خواهم داد. نظام‌الدین همیشه به طرف امیر خسرو اشاره می‌کرد و می‌گفت: الہی  
بہ سوز سینہ این ترک مرا ببخش.

خواجہ نظام‌الدین اولیا خسرو را لقب «ترک الله» داده بود، چنانچه خسرو خود می‌گوید:  
بر زبانت چون خطاب بنده ترک الله رفت دست ترک الله گیر و ہم بہ اللہش سپار<sup>۴</sup>  
تقریباً همه تذکره‌نویسان متفق‌اند که امیر خسرو در سال ۷۲۵ھ/۱۳۲۴ م جهان  
ناپایدار را درود گفت و نزدیک قبر شیخ نظام‌الدین اولیا خاک سپرده شد.  
بلبل هزار داستان، طوطی هند امیر خسرو از شاعران بزرگ ایران به خصوص  
سنایی، خاقانی، نظامی و سعدی پیروی می‌کرد. وی در غزل پیرو سبک سعدی بود و  
به این نکته اشاره می‌کند و می‌گوید:

جلد سخنم دارد شیرازہ شیرازی

۱. نعمانی، شبلی، شعرالعجم، جلد دوم، ص ۹۹؛ دیوان امیر خسرو دهلوی، مرتب نورالحسن، ص ۹۳۰.

۲. شعرالعجم، ص ۹۳۷.

۳. همان، ص ۱۱۵.

۴. همان.

ولی با این همه امیر خسرو لحن خاصی دارد. شیرینی و شستگی را در شعرش لبالب حس می‌کنیم، چه خوش گفته:

دانی که هستم در جهان من خسرو شیرین بیان  
گر نیایی از بهر زبان من بیا

امیر خسرو چندین اثر در نظم و نثر به رشته تحریر آورده است: دیوان منقسم به پنج حصه است: ۱. دیوان تحفة الصغر؛ ۲. دیوان وسط الحیات؛ ۳. غرة الکمال؛ ۴. بقیه نقیه؛ ۵. نهاییه الکمال. علاوه از این قران السعدین نخستین مثنوی خسرو است که در سال ۶۸۸ هجری سروده شده، مثنوی تاج الفتوح، مثنوی نه سپهر، افضل الفواید (ملفوظات نظام الدین اولیا)، اعجاز خسروی، تغلق نامه، خزاین الفتوح، مناقب هند، تاریخ دهلی و جز آن، ولی اینجا مثنوی نگاری وی مورد بحث است. امیر خسرو به حکیم نظامی اعتقاد خاصی داشت و به در قالب شعر به توصیف استادش می‌پردازد:

زنده است به معنی استادم در نیست منش حیات دادم  
طوطی هند به تقلید از آن استاد این خمسه یا پنج گنج منظوم کرد. معرفی مختصر  
خمسه خسرو ملاحظه شود:

### ۱. مثنوی مطلع الانوار

این مثنوی به تقلید از مخزن الاسرار نظامی گنجوی است. تعداد اشعار ۳۳۱۰ است و در سال ششصد و نود و هشت (۶۹۸) ختام یافته، خود می‌گوید:

شکر خدا را که ز فضل خدای گشت مرتب چو بهشت این سرای  
ور همه بیت آوری اندر شمار سی صد و ده بر شمر و سه هزار  
از اثر اختر گردون خرام شد بدو هفت این مه کامل تمام<sup>۲</sup>

نیز درباره سال تصنیف این طور می‌سراید:

سال که از چرخ کهن گشت بود از پس ششصد نود و هشت بود  
چرخ که خورشید جنابش نبشت مطلع الانوار خطابش نبشت

۱. شعرا العجم، جلد دوم، ص ۱۱۰ و سفینه مروارید، منوچهر، ص ۱۴۳.

۲. دهلوی، امیر خسرو، خمسه امیر خسرو دهلوی، ص ۱۴۱.

هرچه دلم ریخت در این حقه در قطره نم بود ز دریای پر<sup>۱</sup>  
 در آغاز این مثنوی خسرو بسم الله و حمد و صفت باری تعالی<sup>۱</sup> را توضیح داده  
 است. پس از آیات چند تا مناجات و نعت رسول مبین نیز رقم کرد. در این مثنوی  
 خسرو اوصاف صوفیان بیان فرمود و نمونه<sup>۲</sup> حال ایشان را رقم ساخت:

هست بسی صوفی پشمینه پوش کش نرسد بانگ موزن به گوش  
 این همه شیخان خزاین پرست برهمنانند بت زر به دست<sup>۲</sup>

این مثنوی بیشتر اشعار دینی و اخلاقی دارد. امیر خسرو این گونه موضوعات را  
 تصریح نموده که به سبب آن، عظمت و ارجمندی سخن‌سرایی وی فزونی گرفت. چند  
 شعر وی اینجا تحریر می‌شود ملاحظه فرمایید:

وای نه یکبار که صد بار وای زین همه گبران مسلمان نمای  
 دعوی دین و دل نا ترسناک خنده مزین بیهده بر دین پاک  
 ای همه بر نسبت گرانت زیست نام مسلمانیت از بهر چیست  
 آنکه تگ از شرع فراتر زده است الله و یارب که زند، عربده است<sup>۳</sup>

نیز آیات چند دینی و اخلاقی نمونه می‌آورم، ملاحظه بفرمایید:

هیچ کس از بند خود آزاد نیست هیچ دلی را ز خدا یاد نیست...  
 هر که به پرهیز پذیرد نصیب از پی دارو ندود بر طیب  
 هر که نبیزد عمل خویش را ساخته شو گو غضب پیش را  
 سرمه چو هموار نساید کسی چشمش از آن سرمه بگیرد بسی...  
 چون به زمین سجده گه روی تست چشمه خورشید برد سایه را  
 کار کن ای دوست کزین کشت زار تخم کمت راست بری بی‌شمار<sup>۴</sup>

این مثنوی به نام علاوالدین محمد شاه خلجی معنون شده است.

۱. خمسه امیر خسرو دهلوی، ص ۱۴۱.
۲. جهان خسرو، ص ۴۹۱.
۳. همان، ص ۴۹۰.
۴. خمسه امیر خسرو دهلوی، ص ۶۱-۶۵.

**۲. مثنوی شیرین و خسرو**

این مثنوی به مقابله خسرو شیرین نظامی گنجوی است که در همان سال ۶۹۸ هجری به اتمام رسید و ۴۱۲۴ بیت دارد. این مثنوی نیز به نام علاءالدین محمود شاه است. خسرو خود سال تألیف و تعداد اشعار این مثنوی را چنین در شعر درآورد:

در آغاز رجب شد فرخ این فال      ز هجرت شش صد و هشت و نود سال  
دگر پرسی که بیتش را عدد چيست      چهار الف و چهار است و صد بیست<sup>۱</sup>

**۳. مثنوی مجنون و لیلی<sup>۱</sup>**

این مثنوی در سال ۶۹۸ ه سروده شده است و به نام همان حکمران معنون شده و ۲۶۶۰ بیت دارد. وی سال تألیف و تعداد ابیات این مثنوی را در قالب شعر چنین بیان نمود:

نامش که ز غیب شد مسجل      مجنون لیلی<sup>۱</sup> به عکس اول  
تاریخ ز هجرت آنچه بگذشت      سالش نودست و ششصد و هشت  
بیش به شمار راستی هست      جمله دو هزار و ششصد و شصت<sup>۲</sup>

**۴. مثنوی آینه سکندری**

این مثنوی در تقلید اسکندر نامه نظامی گنجوی نوشته شده است که در سال ۶۹۹ ه نظم شده و به نام علاءالدین معنون کرده و تعداد اشعار ۴۴۵۰ است. خسرو در پنجاه سالگی این کار را تمام کرد و سال تألیفش را در قالب شعر این طور سروده است:

گر آری همه بیتش اندر عدد      چهار الف و پنجه شد و چار صد  
در این دم که پایان این پیکرست      ز تاریخ هفصد یکی کمترست<sup>۳</sup>

**۵. مثنوی هشت بهشت**

مقابل هفت پیکر نظامی که در سال ۷۰۱ هجری آن را به پایان رسانیده، ۳۳۸۲ بیت دارد به نام همان حکمران به رشته نظم کشیده شده و درباره تألیف این مثنوی خود در

۱. خمسه امیر خسرو دهلوی، ص ۴۰۴ و جهان خسرو، ص ۴۹۸.

۲. همان، ص ۲۴۱ تا ۲۴۲ و جهان خسرو، ص ۵۱۱.

۳. همان، ص ۵۷۲.

اختتام مثنوی می گوید:

همه بیتش به گاه عرض شمار سه هزار است و سیصد و چهل و چار  
سال هجرت یکی و هفتصد بود کین بنا برد سر به چرخ کبود<sup>۱</sup>

شاعر در خاتمه این مثنوی گفته کہ تمام خمسه در مدت سه سال سروده شده و قاضی شهاب الدین از فضلی آن زمان تمام آن را مطالعه و تصحیح نموده. خمسه طوطی هند جمعاً هجده هزار بیت دارد. وی در خاتمه این خمسه می گوید:

یارب او چون ز پنج نامۀ من برد بیرون خطای خامۀ من

امیر خسرو دهلوی بزرگترین نماینده ادبیات فارسی زبان هند و نخستین ادامه دهنده خمسه نظامی گنجوی می باشد. خمسه وی در ادبیات فارسی کارنامه پُرازش به شمار می رود، شاعر معروف زبان فارسی و اردو علامه اقبال لاهوری در توصیف این شاعر بزرگ هند در شعر زیر این طور می سراید:

رہے نہ ایک و غوری کے معرکے باقی و شیرین ہے ر . ج . م خرو

طوطی هند، امیر خسرو دهلوی را می توان بزرگترین شاعر فارسی گوی هند به شمار آورد. قریحه اش گویا و روان و در نظم سخن دارای سرعت خیال و جودت طبع بوده و علاوه بر زبان فارسی در زبان های عربی و ترکی و سانسکریت و برج بهاشا هم تبحر داشته چنانچه علامه شبلی درباره این شاعر نامدار در شعرالعجم مندرجه ذیل عبارت می نویسد:

اللہ میں جس قدر شعراء گزرے بغیر خاص اصناف سے یہ اعری میں کمال رکھتے تھے۔ ملاً فردوسی و نظامی مثنوی، انوری اور کمال قصید میں، سعدی اور حافظ غزل میں، یہی لوگ کعبہ دوسری صنف میں دہاتھ آلتے ہیں تو پھیکے پڑ جاتے ہیں۔ ملاف اس کے امیر، قصید، اوشنوعزل، یہ بیوں میں ایک درجہ رکھتے ہیں۔ مثنوی میں نظامی کے بعد گک اس کا جواب نہیں ہوا، غزل کے دیکھو یہ سچری بدوس ہیں، قصید اللہ چندوں شہر یہ نہیں ہوئی، لیکن کلام موجود ہے<sup>۲</sup>۔

ترجمہ: تمامی شعرای ایرانی در یک صنف خاص تبحر دارند. مثلاً فردوسی و

۱. خمسه امیر خسرو دهلوی، ص ۶۹۷.

۲. شعرالعجم، جلد دوم، ص ۱۲۸.

نظامی در مثنوی، انوری و کمال در قصیده و سعدی و حافظ در غزل. همین شاعران اگر در اصناف دیگر طبع آزمایی می‌کردند، نمی‌توانستند استعداد خود را بروز دهند ولی امیر خسرو در سرودن قصیده، مثنوی و غزل به طور یکسان مهارت داشت. در مثنوی بعد از نظامی کسی هم‌پایه او نیست. او در غزل شانه به شانه سعدی است. در قصاید شهرت چندانی حاصل نکرد ولی قصاید او موجود است.

امیر حسن علا سجزی سعدی هند می‌گوید:

سخنم چون سخن خسرو نیست سخن این‌ست که من می‌گویم

ضیاءالدین برنی رقم‌طراز است:

”امیر خسرو شاعران سلف و خلف بوده است در اختراع معانی و کثرت تصانیف غریبه، نظیر نداشت...“

شاعر ایرانی خواجه کرمانی با شایستگی یاد می‌نماید:

سوختم این لخلخه خسروی در طبق موهبت مولوی

جامی می‌گوید:

بر سر خسرو که بلند اختر است از کف درو بیش گلی درخورست

ظهوری:

بساط ادب به کران افگند به خسرو غزل در میان افگند

حضرت شیخ عبدالحق محدث دهلوی:

”امیر خسرو دهلوی سلطان الشعرا، برهان‌الفضلا است“<sup>۱</sup>.

عرفی شیرازی این طور یاد می‌کند:

به روح خسرو ازین پارسی شکر دادم که کام طوطی هندوستان شود شیرین

شاعر بزرگ لسان‌الغیب، حافظ شیرازی می‌گوید:

شکر شکن شوند همه طوطیان هند زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود<sup>۲</sup>

۱. دیوان امیر خسرو، ص ۱۸؛ انصاری، نورالحسن، امیر خسرو احوال و آثار، ص ۷۰.

۲. شعرالعجم، جلد دوم، ص ۲۰۱؛ هندوشاه، ملا محمد قاسم فرشته، تاریخ فرشته، جلد دوم، ص ۴۰۲-۴۰۳.

مختصراً امیر خسرو گرچه هندی نژاد بود ولی شاعران ایرانی هم به زبان‌دانی و شاعری او اعتراف نمودند. مولانا جامی در بهارستان می‌نویسد که خمسه نظامی را کسی به از وی جواب نداده است. امیر خسرو به طوطی هند تخلص داشته و بعضی از شاعران ایرانی بدین تخلص او اشاره کرده‌اند.

### مآخذ

۱. امیر خسرو، مرتب سید اطهر شبیر، ریسرچ جرنل اداره تحقیقات عربی و فارسی، مطبع دی مونولیس، پتنه، بیهار، ۱۹۸۴ م.
۲. هندوشاه، ملا محمد قاسم فرشته، تاریخ فرشته.
۳. جهان خسرو، مطبع فاروق ارگلی به اهتمام محمد ناشر فرید بکدپو، ۲۰۰۶ م.
۴. دهلوی، امیر خسرو، خمسه امیر خسرو دهلوی، با مقدمه و تصحیح امیر احمد اشرفی، تهران، ۱۳۶۲ م.
۵. دهلوی، امیر خسرو، دیوان امیر خسرو دهلوی، مرتب نورالحسن، نول‌کشور، لکهنو، ۱۹۶۷ م.
۶. سفینه مروارید، به اهتمام منوچهر دانش پژوه، تهران، ۱۳۸۳ هـ.
۷. انصاری، نورالحسن، امیر خسرو احوال و آثار، کوه نور پریس، دهلی، ۱۹۷۵ م.
۸. شفق، رضازاده، تاریخ ادبیات ایران؛ (اردو)، ندوة المصنّفین، دهلی، ۱۹۸۸ م.
۹. نعمانی، شبلی، شعرالعجم، جلد دوم، تاجران کتب علوم مشرقیه کشمیری بازار، لاهور، ۱۹۴۱ م.